

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه حج (جله ششم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۹۴/۹/۴

يَأْتِيهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ (۱)

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا هُمْ بِسُكَارَى وَ لَا كِنَّ عَذَابَ
اللّٰهِ شَدِيدٌ (۲)

وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَجْدِلُ فِي اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطٰنٍ مَّرِيدٍ (۳)

موضوعاتی که در سوره مطرح می کند با هم ارتباط دارند. شروع سوره با بحث قیامت است و نام سوره حج؛ یک ارتباط دو طرفه بین اینها هست.

هر کاری که انسان را به تمام شدن اجل دلالت و انگیزه ها و قصد انسان را متعالی کند، خاصیت حج را دارد.

داستان حج یک آمیختگی با یاد مرگ دارد. چنین نگاهی به مرگ است که در انسان حرکت ایجاد می کند نه یک یاد مرگ معمولی. در چنین نگاهی، زنده ها را می بیند، یکرنگی انسانها و بعث مردم را می بیند... به صورت ایجابی می بیند. (اما مثلا در بهشت زهرا، مرده ها را ببیند، یعنی سلبی می بیند)

وَ اِذْ نَوَّانَا لِلْاِبْرٰهِيْمَ مَكَانَ الْبَيْتِ اَنْ لَّا تُشْرِكَ بِى شَيْئًا وَ طَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِيْنَ وَ الْقَائِمِيْنَ وَ الرَّكْعِ السُّجُوْدِ (۲۶)

مثل اینکه انسان نیاز دارد در خانه ای حضور و عبادت خدا را شکل دهد. در طبع انسان این تمرکزگرایی هست. حضرت ابراهیم (ع) مکانی را اختصاص داد.

کار مسجد هم همین است. مسجد که می روی در واقع مسجد الحرام می روی؛ اما چون بعد مسافت دارد، شعبه های نزدیکتر آن را می روید.

روضه ها هر کدام، حرمی از حرم های اهل بیت هستند.

خصوصیت این بیته که ابراهیم (ع) اختصاص داده این است که طواف، قیام، رکوع و سجده در آن برگزار می شود.

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (۲۷)

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنَ بَيْهِيمَةٍ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا أَلْبَاسَ الْفَقِيرِ (۲۸)

همین که یک نفر در شهری حج می رود؛ کأن تمام آن شهر حج رفته اند. چون بحث مشاهده منافع است، وقتی به یک نفر نشان می دهند؛ به بقیه هم نشان می دهند. آن یک نفر می بیند و مشاهداتش را برای بقیه باز گو می کند.

در واقع یک شبکه اجتماعی است که خدا توسط افراد معدودی به همه حقایق را نشان می دهد.

مشاهده در اینجا، مشاهده منافع و مشاهده ذکر اسم خداست.

آنها که نمیروند باید از آنها که رفته اند، پرسند...

بنابراین هم آنها که می روند (به ویژه در این ایام که اربعین نزدیک است) باید به گونه ای ببینند که منفعت داشته باشد و عده ای هم که نرفته اند باید از آنها پرسند و بشنوند.

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَيُطَوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (۲۹)

_ آنهایی که احیانا سفرهای زیارتی می روند، اما امساک از گفتن می کنند، کار خوبی نمی کنند.

هر کس فکر کند برای همه می رود، کیسه اش را برای همه پر کند، تک خوری نکند.

بدانیم دنیا جای تک خوری نیست.

_ حج محل برطرف کردن آلودگی، ادای نذر و .. است. افراد باید این منفعتها را با خود به بقیه هم منتقل کنند.

دلیلش هم این است که تعداد خاصی حج می روند. عده ای شاید به هر دلیلی، تا آخر عمر هم حج نروند.

اما امرهای بعد از حج، عمومی است و به همه گفته شده است.

یک عده طواف کردند اما انگار همه طواف کرده اند.

قاعده انسان، قاعده ظروف مرتبط است.

ذَلِكَ وَ مَنْ يُعْظَمُ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (۳۰)

کم کم از فضای حج خارج می شود و امرهایش عام می شود.

اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (۳۰)

خُنْفَاءَ اللَّهِ غَيْرِ مُشْرِكِينَ بِهِ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ (۳۱)

حس های غمی که بر ما عارض می شود اغلب از همین حس هاست.

چراغ قوه در دلت بینداز، بین از همین غمه است؟

مثل اینکه فرد را برده اند بالای آسمان بعد رهاش کرده اند، هیچ چیزی هم نیست که بتواند آن را بگیرد. همینطور در حال سقوط است. خلأ است .. نمی داند چه می شود..

در همین فکره است که به یک پرنده برخورد می کند؛ احتمال دارد به زمین هم نرسد... یا تندبادی بیاید و او باز هم زمین نخورد!

میخواهد بگوید این طول دارد؛ زمان می برد.

بعضی از غم و اندوه هایی که در دل ما هست، شکلش اینگونه است.

نمی شود کسی ، قول زور داشته باشد، رجس داشته باشد؛ اما این غم در وجودش نباشد.

هر کسی این غم را دارد مشرک است.

شُرک است که رجس می آورد. قول زور هم مدلی از رجس است. (قول زور صفتی درونی است که مصداق آن به شکل رجس بروز می یابد)

وقتی از بالای آسمان می افتد، غمی همراه با ترس، یاس دارد.

انسان وقتی پایین می افتد توقعش این است که زمین بخورد، اما چیز بدتری هم وجود دارد آن هم اینکه مثلاً پرنده ای او را برباید.

ذَالِكَ وَمَنْ يُعْظَمُ شَعْرَةَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ (۳۲)

از این به بعد داستان می رود به سمت تقوای قلب و تاکید می کند بر اینکه محل الهام است و شهودی برای انسان دارد.

_ تقوایش حاضر است. غایب نیست.

ما خیلی تقوا داریم اما غایب است.

تقوای قلب، حضورش، دم دست است، حاضر است.

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ (۳۳)

_ در عالم بعضی منسک ها مثل منسک حج را حضرت ابراهیم(ع) دخالت داشته و آن را اجرا کرده است که البته آنها نیز به وحی وصل بوده است.

_ منسک محلی است که مجموعه ای از عبادات در آن اتفاق می افتد. عبادت خدا در آن به صورت خاص اتفاق می افتد.

_ بعضی از منسک هایی که در اربعین است را خدا عطا کرده است ... این منسک، مزد و پاداش یک کار است.

روایات، زیارت اربعین را با حج ، مقایسه و ثواب آن را هزاران برابر حج حساب می کنند؛ چون این منسک شده است.

_ رخدادی اتفاق افتاده، کأنَّ خدا خودش منسک آن را تولید کرد. می توانست اربعین به این وضع نباشد، کربلایی هم نباشد؛ اما قلب ها را به این سمت راهنمایی کرد.

درباره این موضوع همه مردم عالم توافق می کنند که از معجزات هستی است.

وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا لِّيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهًا وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ (۳۴)

در منسک آدم باید یاد صفات و اسماء خدا بیفتد. کاری کند که سوء ظن اش به خدا بر طرف شود.

در منسک باید دنبال خدا بود و به یقین رسید. کار منسک این است. آنجا کسی رفت نباید امام حسین (ع) را ببیند باید خدای امام حسین (ع) را ببیند.

البته می شود که از حمد و حسن الهی دید اما یادمان باشد که باید خدا را ببینیم. این امر باعث می شود خیلی چیزها برایمان کمرنگ شود.

گریه کردن یا نکردن در آن مهم نیست؛ معرفت، شرط است.

چه با حالت بکاء و چه بدون آن باید معرفت کسب کرده باشد و محور این معرفت باید خدا باشد.

می روید و برمی گردید باید حس تان نسبت به خدا متفاوت باشد... الهکم اله واحد

__ محبتین یعنی اهل یقین شوی و به خدا توکل کنی؛ آنچنان که از توکل شما، دیگران هم به خدا توکل کنند.

داستان محبت، از منسک است.

کار منسک، مانور عملیاتی برای اخبات است. اینها باورهای توحیدی اش را کامل می کند و نسبت به خدا یقین پیدا کند به گونه ای که در عملش جاری باشد.

__ کسانی که اربعین میخوانند بروند باید این آیات را بخوانند.

__ کار مناسک، اصلاح باورها و رساندن آدمها به اخبات است.

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳۵)

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَا لَكُمْ مِنْ شَعَرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۳۶)

مانور عملیاتی برای اخبات

— محبت کسی است که وقتی اسم خدا می آید شروع به لرزیدن می کند. به اسم خدا حساس است. حالش منقلب میشود. بعد هم اگر مصیبتی به او وارد شد استقامت و پایداری دارد. نمی بُرد. عزم دارد. کارهایش، جدا جدا و قطعه قطعه نیست.

هیچ چیزی او را از مسیر حق جدا نمی کند.

— منسک باید صبرساز باشد. در سفرهای زیارتی باید آمادگی سختی داشته باشی. باید با سختی همراه شوی تا صبرت بالا برود.

اما باید مراقب بچه ها بود. بچه ها امانتهای الهی هستند.

— وقتی بتوانی منسک را اجرا کنی؛ اقامه نماز در تو به صورت جدی، عزم ایجاد می کند؛ به گونه ای که می رود به این سمت که کارش اقامه نماز باشد یعنی بتواند نماز را گسترش دهد. آدمها را نمازخوان کند.

— در اربعین که به عتبات میروید فکر کنید که چه کنیم که بعد که آمدیم آدمها را نمازخوان کنیم.

در واقع دستاوردتان از منسک باید این باشد: راهبردهای اقامه نماز به طور مهارتی و کاربردی.

— خدا یک سری چیز به شما داده باید با آنها چاله های مملکت را پُر کنید.

خلأهای جامعه را بشناسید و پر کنید... مما رزقناهم ینفقون

نه اینکه خانه خودتان پر از چاله و چوله باشد و یک نفر تازه بیاید آنها را پر کند.

— آیات (۳۴) و (۳۵) بحث منسک را می گوید که چه چیزی باید نصیبتش شود.

— کربلا که میروی، روز اربعین بالای دفترت بنویس:

دو افق داریم:

اول: الهکم اله واحد... نگاهمان باید توحیدی شود. دوم: بدست آوردن صفت اخبات افق مان است.

چهار راهبرد داریم:

اول. تمرین کنیم نسبت به ذکر خدا حساس شویم.

یک دعایی از دعا‌های اهل بیت را همراه داشته باشید (عرفه، کمیل و ... که اسماء الهی در آن باشد و آن را بخوانید)

دوم. صبر و مقاوم سازی

سوم. برنامه ریزی برای نماز بصورت گسترده

چهار. شناخت چاله و چوله های اطراف و پر کردن آنها

دستاوردهای سفر شما باید اینها باشند.

ظاهراً این منسک اگر کار کند؛ طرح های اقامه نماز و زکات باید فوران کند.

__ ما از منسک هایمان خوب استفاده نکرده و شکر آنها را بجا نمی آوریم.

__ آیات (۳۵) و (۳۶) باید بود و نبودشان برای ما فرق کند.

اینها در آدم علم ایجاد می کند تا عمل کند. علم است که می تواند مسیرها را باز کند.

__ چون مولفه های منسک را نمی دانیم؛ نمی توانیم منسک درست کنیم. ما مردم را می بینیم و آنچه که باید ببینیم را نمی بینیم.

آنهايي که اربعين عتبات می روید به نمازهای اول وقت اهتمام داشته باشید.

به دوستانتان اهتمام داشته باشید، همه چیز را برای خود نخواهید؛ سفر صبر است.

__ اربعین برای آنکه می روند و نمی روند؛ کارکرد شب قدر را دارد. منسک، ساز و کاری ایجاد می کند که شب قدر ایجاد می کند. برای یکسال خود و دیگران، دستاورد می آورید.

آنهايي که نمی روند، سیم شان وصل است به آنهايي که می روند.

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعْتِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبَهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا الْقَانِعَ وَ
الْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۳۶)

خدا می گوید این قسمت از مناسک حذف شده، قربانی را نمی بینند.

در منسک این طور است که با دست خود، قربانی را ذبح کند؛ اما جزء عوامل ثانویه است که حذف شده است.

قربانی جزء مناسک ماست تا لوس و نُتر نباشی.

خیلی وقتها مشکل ما این است که فقط لوس هستیم. از سر سیری اختلاف داریم.

کسی که خون دیده، ضریب استقامتش بالا رفته است.

_ وقتی خداوند این آیات را می گوید هم برای آنها که در صحنه هستند می گوید و هم آنها که مثل ما در صحنه نیستند.

_ وضع آیه:

تصویرسازی کرده شترهای چاق و فربه را.

شتر شده شعائر الله. به اعتبار ذبحی که بنا هست به او انجام شود. چون الان مطیع شماس است و بخشی از منسک را روی آن انجام می دهید.

شعائر، محل های فهم اراده خدا در آنجاست.. محل های شعور.

آنجا آنتن هست. وقتی می روی، وصل می شوی.

_ نحوه قربانی اش را شروع کرده صحنه آرایی کند.

میشود پرسید خدایا چرا اینها را برای ما بگویی؟ فکلوا منها و ...

سجده شتر را آنجا می بینید شما! اینجا خیلی مهم است.

حیوانی را گفته که اگر رم کند، کسی حریفش نمی شود.

حس شتر موقعی که گفته می شود که تو قرار است قربانی شوی، هیچی نمی گوید .. عجب شعوری دارد!

شاید ما به اندازه یک شتر به دردی خوردیم!

الان یک شهادت طلب را می بوسیم و کنار میگذاریم. فهم او تازه رسیده به فهم شتر.

کف خوبی خدا جایی است که حتی هنوز سقف ما هم نیست. در آرزوهای ماست!

ابته قرآن آمده این را نشان داده!

لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لِحُومِهَا وَ لَا دِمَائُهَا وَ لَكِنَّ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَيْتَكُمْ وَ بَشِّرِ
الْمُحْسِنِينَ (۳۷)

اینها آیاتی است که از این به بعد روی حوزه اخبات کار می کند. فرهنگ محبتین را تشریح می کند. چون انسان جو
گیر می شود.

عالم ربّانی.... محبت

یعنی کسی که لنگر جامعه را می اندازد و میتوان به او اتکا کرد.

جامعه باید به سمت محبت پروری برود و الا سیستم اش به هم می ریزد.

إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ (۳۸)

ان الله يدافع عن الذين آمنوا، منطق صبر محبت است.

از حرکت های شتابزده، غیر اصولی، غیر فنی خودداری می کند.. خدا از او دفاع می کند.

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (۳۹)

تصویر می کند آدم هایی را که خیلی هم وضعیت شان خوب نیست.. در مشقت هستند.

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَّمتُ صَوَامِعُ وَ بِيَعُ
وَ صَلَوَاتٍ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (٤٠)

گفتند خدا یکی است، در جامعه ما اگر بگویی خدا یکی است، بیرونش نمی کنند.

سقف مشکل را برای شما بالا می برد.

لا اقل بخاطر قرآن خواندن مان ما را از شهرمان بیرون نمی کنند.

ما تا امکاناتی را از ما بگیرند و محدودمان کنند، صبرمان لبریز می شود، میخواهیم همه کار بکنند تا ما مردم را
نمازخوان کنیم؛ اما خدا اینجا می گوید از شهرش بیرونش کردند فقط چون گفت «ربنا الله»
حسن ظن، اعتقاد به قوانین هستی است.

__ حس رخوت و تنبلی که در اقامه حق در ما وجود دارد خیلی بد است.

__ باید سه اتفاق همزمان بیفتد:

سقف انتظارات را پایین آورده، مقاومت را بالا برده و به خدا حسن ظن داشته باشیم.

اگر آقا در راه خدا جهاد می کند ساعت نه یا ده شب هم خانه آمد باید کنار بیایم.

آقایان هم نسبت به خانم ها باید اینگونه باشند. چون عرصه ها ممکن است متفاوت باشد و در عرصه هایی، خانم ها
مشغول جهاد باشند.

__ وقتی کار ایمانی باشد خدا از بندگانش دفاع می کند. پس وسط کار نلغز

تو خدا را یاری کن.. منتظر باش بین خدا چطور راضی ات می کند.

الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَقِبَةُ الْأُمُورِ (٤١)

این بندگان دو وضعیت داشتند... (٣٩) و (٤٠)

بعد خداوند بهشان امکانات داد... (٤١)

همان انرژی را صرف اقامه نماز، ایستای زکات، امر به معروف و نهی از منکر کردند.

این چهار عمل، چهار محور عملکرد محبتین است.

_ میخواهید محبت شوید روی این موضوعات کار کنید.

هر کسی اربعین را درک می کند، فکر کند چگونه میتواند اقامه کننده نماز، ایتاء کننده زکات، آمر به معروف و ناهی از منکر باشد. عامل به این مناسک شود.

_ بعضی چیزها امتیازی است که خدا بواسطه قرآن خواندن می دهد. اگر نتوانی آن امتیاز را احیاء کنی به آن خاصیت دست پیدا نمی کنی.

_ محبت اگر نباشد، در جامعه هرج و مرج ایجاد می شود... هرج و مرج باوری ایجاد می شود.

مثل غرب. در غرب به ظاهر هرج و مرج نمی بینی اما در واقع ناهنجاری رفتاری و باوری وجود دارد.

محبت یعنی کسی که معیار یک جریان درست است.

ما حتی در جریانهای سیاسی هم محبت نداریم.

محبت کسی است که وقتی اسم خدا را می شنود... وجلت قلوبهم

اینقدر راسخ است که می توانی دستت را در دست او بگذاری و به خدا اعتماد کنی. نماد توکل به خداست. می توانی دور او بگردی.

محبت... صابرين بما اصابهم / اقامه نماز / انفاق و

تعمیر در فرج امام زمان (عج) صلوات